

نشانه‌شناسی نظام واژگانی مایعات در زبان فارسی

فروغ کاظمی^۱

چکیده

در مقاله حاضر نامواژه‌های مایعات در زبان فارسی از منظر نشانه‌شناسی بررسی می‌شود. در این پژوهش ابتدا واژگان مربوط به مایعات در زبان فارسی طبقه‌بندی و روابط نشانه‌شناختی موجود در این نظام واژگانی با تمرکز بر انواع نشانه‌(شمایلی^۲، نمایه‌ای^۳ و نمادین^۴) بررسی می‌شود. در پی آن، معنای صریح و ضمنی نامواژه‌ها تحلیل خواهد شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد نامواژه‌های مایعات در زبان فارسی را می‌توان در دو گروه کلی طبقه‌بندی کرد. گروه اول مایعات نشانه‌شناختی و گروه دوم مایعات غیرنشانه‌شناختی. فراوانی نامواژه‌های مایعات در گروه اول نسبت به گروه دوم محدودتر است. همچنین این مایعات را می‌توان در قالب نوعی بررسی نشانه‌شناختی در لایه‌های نشانه‌ای شمایللی، نمایه‌ای و نمادی طبقه‌بندی کرد. اما هر مایع صرفاً در یک طبقه از این طبقات سه‌گانه امکان بررسی نمی‌یابد و گاه آمیزه‌ای از نشانه‌ها قابل طرح است. نتایج پژوهش همچنین حاکی از آن است که رابطه مستقیمی بین بسامد استفاده از نامواژه‌ها و افزایش معنای ضمنی آنها دیده می‌شود. می‌توان افزود که میان ساختار واژگانی نامواژه‌ها از یک سو و معنای ضمنی آنها از سوی دیگر نیز همبستگی خاصی وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: نشانه، نشانه نمادین، معنای صریح، معنای ضمنی، نظام واژگانی مایعات

^۱ - استادیار، گروه زبان‌شناسی، دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی

f.kazemi86@yahoo.com

^۲ - iconic

^۳ - indexical

^۴ - symbolic

۱- مقدمه

از زمان انتشار کتاب دوره زبان‌شناسی عمومی ([۱۹۱۶]۱۹۸۳) میانی علم نشانه‌شناسی گذاشته شد. چارلز ساندرز پیرس در مطالعه عوامل دخیل در دلالت یعنی بازنمون^۱، تفسیر^۲ و موضوع^۳ و همچنین طبقه‌بندی نشانه‌ها به نشانه‌های شمایی، نمایه‌ای و نمادین مطالب بسیار ارزشمندی نوشت که از متون بنیادی نشانه‌شناسی تلقی می‌شوند (سجوری، ۱۳۸۷: ۷-۸). نشانه‌شناسی به این می‌پردازد که نشانه چیست و چه قوانینی بر آنها حاکم است. از نظر سوسور زبان نظامی نشانه‌ای است و از این جهت با دیگر نظام‌های نشانه‌ای قابل قیاس است. زبان مهم‌ترین نظام نشانه‌ای است. چرا که به وسیله آن می‌توان تمام نشانه‌ها را توصیف نمود اما خود زبان را با آن دیگر نشانه‌ها نمی‌توان توصیف کرد. زبان الگوی مطالعه سایر نظام‌ها تلقی می‌شود. امروزه نشانه‌شناسی، فرهنگ‌بنیاد و جامعه‌بنیاد است. نشانه‌ها و نظام‌های نشانه‌ای را باید در فرهنگ یا جامعه بررسی نمود و نشانه را در اسطوره‌ها یا قصه‌های تاریخی آن فرهنگ مطالعه کرد یا نشانه را در مقایسه با سایر نشانه‌ها بررسی نمود. مقاله پیش رو با هدف بررسی نام‌واژه‌های مایعات زبان فارسی با دیدگاهی نشانه‌شناختی به نگرش درآمده است و در پی یافتن پاسخ به این پرسش‌هاست که آیا نام‌واژه‌های مایعات در زبان فارسی معنای ضمنی دارند؟ و در صورت داشتن معنای ضمنی آیا بین ساختار واژگانی مایعات و معنای ضمنی آنها ارتباطی وجود دارد؟ آیا نشانه‌های شمایی، نمایه‌ای و نمادین در خصوص نام‌واژه‌های مایعات در زبان فارسی قابل تبیین است؟ در این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی است، نخست مجموعه‌ای از واژه‌های متعلق به مایعات زبان فارسی گردآوری شد (۲۹ واژه). سپس طبقه‌بندی آنها بر اساس کاربرد و ساختار واژگانی به طور مجزا به دست آمد. در مرحله بعد روابط نشانه‌شناختی نام-واژه‌ها از نظر انواع نشانه بررسی و در نهایت مایعات بر اساس معنای صریح و ضمنی‌شان طبقه‌بندی، توصیف و تحلیل شدند.

۲- مباحث نظری

در این قسمت به مفاهیم نشانه، انواع نشانه و معنای صریح و ضمنی اشاره می‌شود.

۲-۱- نشانه از دیدگاه سوسور و پیرس

از دید سوسور نشانه زبانی یک مفهوم را به یک تصور صوتی پیوند می‌دهد. نشانه کلیتی است ناشی از پیوند «دال» و «مدلول» (سوسور، ۱۹۸۳: ۶۷). رابطه بین دال و مدلول «دلالت» نامیده می‌شود.

¹- representamen

²- interpretant

³- object

نشانه حاصل انطباق دال و مدلول است. یعنی اگر دال بدون مدلول باشد و به هیچ مفهومی دلالت نداشته باشد فقط صدایی بی‌معنا، صوتی گنگ و توده تاریک و مبهم ذهنی است و مدلولی که هیچ صورتی (صوتی یا دالی) برای دلالت بر آن وجود نداشته باشد، ممکن نبوده و قابل شناخت نیست (سجودی، ۱۳۸۷: ۱۹). از نظر سوسور دال و مدلول همانند دو روی یک برگ کاغذ یا دو روی یک سکه‌اند که از هم جدایی ناپذیرند، به هم وابستگی متقابل دارند.

سوسور بر این باور است که نشانه‌ها فقط به مثابه واحدهای یک نظام معنا پیدا می‌کنند. او بر تمایزهای تقابلی و سلبی بین نشانه‌ها تاکید می‌کند و معتقد است مفاهیم به گونه‌ای ایجابی و به موجب محتوایشان تعریف نمی‌شوند. بلکه به گونه‌ای سلبی و از طریق تقابل با دیگر اجزایشان ارزش می‌یابند. دلالت مبتنی بر پیوند ایجابی است و همچنین نشانه ارزش خود را از تقابلی که با نشانه‌های دیگر در یک نظام کلی دارد به دست می‌آورد. به نظر می‌رسد نشانه درگیر یک روند دلالت‌گر درونی و یک روند افتراقی بیرونی باشد. سوسور نظام را حاصل جمع و نوعی انبار نشانه‌های منفرد و قائم به خود نمی‌داند. بلکه این روابط بین نشانه‌هاست که نظام را می‌سازد. سوسور در واقع معنای ارتباطی زبان را ناشی از کارکرد دیالکتیکی بین فرآیند ایجابی و فرآیند سلبی می‌داند. یعنی نشانه از یک سو دامنه دلالت خود را از طریق سلب نشانه‌های دیگر و در روندی افتراقی متمایز می‌کند و نظام را به وجود می‌آورد و از سوی دیگر در درون دامنه‌ای که به گونه‌ای سلبی تعریف شده است دلالت ایجابی دارد (همانجا: ۲۴).

نظام پیرسی در توصیف نشانه‌ها نظامی سه‌گانه است. او معتقد است نشانه چیزی است که از دید کسی، از جهتی یا ظرفیتی به جای چیز دیگری می‌نشیند. نشانه کسی را خطاب می‌کند. یعنی در ذهن آن شخص نشانه‌ای برابر یا شاید نشانه‌ای بسط یافته‌تر خلق می‌کند. نشانه‌ای که به این ترتیب آفریده می‌شود، تفسیر نشانه نخست است. نشانه به جای چیزی می‌نشیند که اصطلاحاً موضوع یا ابژه آن (نشانه) نامیده می‌شود. پیرس برخلاف الگوی سوسوری نشانه (که الگوی دو وجهی بود) الگویی سه وجهی را معرفی می‌کند:

۱- بازنمون: صورتی که نشانه به خود می‌گیرد.

۲- تفسیر: نه تفسیرگر، بلکه معنایی که از نشانه حاصل می‌شود.

۳- موضوع: که نشانه به آن ارجاع می‌دهد (همانجا: ۲۷).

تعامل بین باز نمون، موضوع و تفسیر را پیرس «نشانگی» نامیده است. فرآیند نشانگی یا نشانه شدن فرآیند تولید معنا است. طبق این الگو چراغ قرمز راهنمایی که سر چهارراه قرار دارد بازنمون است. فکر، ایست با دیدن چراغ قرمز تفسیر و اینکه متوقف می‌شویم موضوع آن است. بازنمون شبیه دال سوسوری است. تفسیر نیز شبیه مدلول سوسور است. اما ابژه یا موضوع، همتایی در مدل سوسور ندارد. یعنی سوسور برای آن جایگاهی در نظر نگرفته است. نکته دیگر این که پیرس معتقد است که هر تفسیری می‌تواند خود دوباره به بازنمونی تبدیل شده و تفسیر تازه‌ای را بر می‌انگیزد. یعنی در

واقع ما در زنجیره‌های از تفسیرها قرار داریم. اما در نظام سوسور یک جور ایستایی وجود دارد. دالی به مدلولی دلالت می‌کند و ایستا و متوقف می‌شود و در نظام پیرس، به لحاظ نظری دائماً امکان خوانش‌های متفاوت وجود دارد و یعنی نظام، پویا، ناپایدار و نایستا است.

۲-۲- انواع نشانه از دیدگاه پیرس

انواع نشانه از دیدگاه پیرس شامل سه نوع شمایل، نمایه و نماد است که در ذیل به مفهوم آنها اشاره می‌کنیم.

۲-۲-۱- **شمایل**: در نشانه‌های شمایی رابطه نشانه و موضوع مبتنی بر مشابهت است. یعنی نشانه از برخی جهات مشابه موضوع است. نام آواها، استعاره‌ها، عکس‌ها، همه نشانه‌های شمایی‌اند.

۲-۲-۲- **نمایه**: نشانه نمایه‌ای نشانه‌ای است که مستقیماً به طریقی فیزیکی یا علی به موضوعش وابسته باشد. این رابطه یا قابل مشاهده است و یا قابل استنتاج. عمده نشانه‌ها از جنس طبیعی‌اند و مبتنی بر مجاورت‌اند (برخلاف نوع اول که مبتنی بر مشابهت‌اند). مثلاً با دیدن دود در جایی پی به وجود آتش می‌بریم یا با دیدن تب در بدن استنتاج می‌کنیم که بدن دچار عفونت و بیماری است. نشانه‌های طبیعی همچون دود، رعد، جای پا و ... و نیز نشانه‌های پزشکی از قبیل درد، خارش و ... نمونه‌ای از نشانه‌های نمایه‌ای‌اند.

۲-۲-۳- **نماد**: نمادها نشانه‌هایی‌اند که نه مبتنی بر مشابهت‌اند و نه مجاورت بلکه تنها به صورت وضعی و قراردادی‌اند و از طریق کاربرد با معناهایشان پیوند خورده‌اند. به عبارت دیگر باید این قراردادهای اجتماعی را بلد بود و رابطه را باید یاد گرفت. برای مثال علائم چراغ راهنمایی و یا پرچم کشورهای مختلف نشانه‌های نمادین محسوب می‌شوند. میزان قراردادی بودن رابطه بین نشانه و موضوع آن در این نوع نشانه بدین صورت است که نشانه‌های نمادین قراردادی‌اند و نشانه‌های شمایی کم‌ترین وجه قراردادی بودن را دارند. هر نشانه‌ای ممکن است هر کدام از این سه نوع (شمایی، نمایه‌ای، نمادین) باشد حتی هم‌زمان. مثلاً علائم راهنمایی و رانندگی هم نمادین و هم شمایی‌اند و عکس‌ها نیز پیوسته هر سه کیفیت شمایی، نمایه‌ای و قراردادی را با خود دارند (سجودی، ۱۳۸۷: ۳۸). در این خصوص هاوکس^۱ (۱۹۷۷: ۱۲۹) معتقد است: این سه حالت به شکل یک ساختار سلسله مراتبی که در آن یکی بر آن دو دیگر سلطه دارد، در کنار هم وجود دارند و این سلسله را بافت تعیین می‌کند.

^۱ - Hawkes, T.

۲-۳ - معنای صریح و معنای ضمنی

در نشانه‌شناسی، معنای صریح و معنای ضمنی در حقیقت مفاهیمی‌اند که با رابطه دال و مدلول سر و کار دارند و دو نوع مدلول از هم متمایز می‌شوند: مدلول صریح و مدلول ضمنی، معنا هر دو را شامل می‌شود و بی‌تردید هیچ یک بر دیگری اولویت ندارد و بافت تعیین کننده است. معنای صریح را با عباراتی چون معنای تحت‌اللفظی، معنای بدیهی یا معنای مبتنی بر دریافت عام توصیف کرده‌اند (چندلر^۱، ۲۰۰۷: ۱۳۷). عبارت معنای صریح فقط نشانگر اجماع همگانی است. چندلر در مورد معنای صریح و ضمنی می‌گوید: معنای صریح نشانه، معنای‌ای است که تعداد بیشتری از اعضای یک جامعه دارای فرهنگ مشترک حول آن توافق دارند در حالی که هیچ‌کس را نمی‌شود به خاطر غلط بودن معنای ضمنی‌اش سرزنش کرد. معنای صریح همان است که در فرهنگ‌های لغات داده شده است. معنای ضمنی به تداعی اجتماعی- فرهنگی و شخصی نشانه اشاره دارد. عواملی چون طبقه، سن، جنسیت و تعلق قومی و نژادی مخاطب و مشابه آن در شکل‌گیری معنای ضمنی دخالت دارند. بارت^۲ (۱۹۶۴: ۸۹) ابتدا معتقد بود که فقط در سطحی بالاتر از معنای تحت‌اللفظی می‌توان به رمزگان معنای ضمنی دست یافت. اما بعد در سال ۱۹۷۴ در تحلیل متن ادبی رئالیستی (اس/ زد) به این نتیجه می‌رسد که معنای صریح در واقع چیزی بیش از آخرین معنای ضمنی نیست. معنا در هر حال وابسته به بافت است و لایه‌های همنشین در کنش ارتباطی است که تعیین کننده معنی است. حال آنچه در بافت به خصوصی دریافت می‌شود، ممکن است بر اساس چنین تقسیم‌بندی‌هایی معنای صریح یا ضمنی تلقی شود. در واقع می‌توان گفت دلالت ضمنی و همچنین دلالت صریح حاصل عملکرد روابط جانشینی، روابط همنشینی و تنوعات اجتماعی- فرهنگی به علاوه عوامل تاریخی است. واژه‌ها ممکن است در بین گروه‌های مختلف اجتماعی دلالت‌های ضمنی متفاوتی داشته باشند و از بارهای عاطفی و ارزشی متفاوتی برخوردار باشند. گذر زمان نیز می‌تواند دلالت‌های ضمنی و حتی دلالت‌های صریح نشانه‌های زبانی را تغییر دهد و خود این تغییر ممکن است در بین گروه‌های مختلف اجتماعی متفاوت باشد (سجودی، ۱۳۸۷: ۷۹).

۳- نظام واژگانی مایعات در زبان فارسی

در این قسمت جنبه کاربردی مفاهیم نظری و نظام واژگانی مایعات بررسی می‌شود تا دریابیم که آیا مایعات و در واقع واژگان مربوط به آنها علاوه بر معنای صریح، معنای ضمنی نیز دارند؟ در این صورت کدام یک از مایعات می‌تواند جدای از مفهوم صریح در مفهوم ضمنی کاربرد یابد؟ همچنین می‌خواهیم بدانیم که هر کدام از این مایعات در قالب نشانه‌های شمایی، نمایه و نمادین از چه

^۱- Chandler, D.

^۲- Barthes, R.

ارزشی برخوردارند؟ و آیا اساساً مایعات زبان فارسی را می‌توان در حوزه یک خرده نظام نشانه‌شناختی بررسی کرد؟

۳-۱- طبقه‌بندی مایعات در زبان فارسی

در این قسمت واژه‌های مایعات برگزیده و به شرح ذیل طبقه‌بندی شد:

آب، شیر، شیره ...	طبیعی	خوراکی	مایعات
گلاب، عرق نعنا، عرق بیدمشک...	دارویی		
آبلیمو، سرکه، سکنجبین، روغن، روغن زیتون...	غذایی		
شربت، دوغ، نوشابه، چای، قهوه...	نوشیدنی		
آب پرتغال، آب هویج، آب انار...	آب میوه		
شیرموز، شیرکاکائو...	ترکیبی		
نفت، بنزین، الکل...	صنعتی	غیرخوراکی	
خون، اشک، عرق...	مایعات مربوط به بدن		
آب ژاول، آب مقطر...	آزمایشگاهی		

جدول ۱- طبقه‌بندی مایعات زبان فارسی بر اساس کاربرد آنها

۳-۲- ساختار واژگانی مایعات در زبان فارسی

شماری از واژه‌های زبان، بسیط تلقی می‌شوند. زیرا قابل تجزیه نیستند. واژه بسیط از یک تکواژ تشکیل می‌شود. براین اساس دو واژه «آب» و «چای» را در پژوهش حاضر می‌توان دو مایع در نظر گرفت که نام‌واژه‌هایی بسیط‌اند.

واژه‌های غیربسیط را می‌توان به عناصر سازنده آن تقسیم کرد. این نوع واژه‌ها حداقل از دو ریشه یا یک ریشه و یک وند ساخته می‌شوند. واژه‌های غیربسیط حاصل عملکرد فرایندهای واژه‌سازی زبان از قبیل ترکیب، اشتقاق و تکرارند. واژه‌های مایعات را می‌توان به سه دسته^۱ ترکیبی همچون «گلاب» (گل + آب) و «شیرموز» (شیر + موز)، اشتقاقی همچون «شیره» (شیر + ه) و ترکیبی- اشتقاقی همچون «نوشابه» (نوش + آب + ه) تقسیم کرد. دسته‌بندی سه‌گانه فوق را مرکب، مشتق و مشتق مرکب نیز می‌نامند. طبقه‌بندی کلی مایعات بر اساس ساختار واژگانی به صورت زیر است:

^۱ - صرف نظر از واژه‌های مکرر فارسی همچون آهسته آهسته و یواش یواش واژه مایع مکرر فارسی یافت نشد.

مایعات	غیربسیط	آب، چای و ...
		ترکیبی/ مرکب
		اشتقاقی/ مشتق
مایعات	غیربسیط	شیره
		ترکیبی-اشتقاقی/ مشتق - مرکب
		گلاب، شیرموز و ...
		نوشابه

جدول ۲- ساختار واژگانی مایعات در زبان فارسی

بر مبنای دسته‌بندی موجود در جدول ۲، کل واژه‌های مایعات بررسی و طبقه‌بندی شد و نتایج آماری زیر به دست آمد:

۳-۲-۱- بسیط: از کل نام‌واژه‌های مایعات مورد پژوهش که ۲۹ مورد بودند، تعداد ۱۳ مایع، بسیط-اند. از جمله می‌توان مایعاتی همچون آب، شیر، روغن، سرکه و ... را نام برد.

۳-۲-۲- ترکیبی: تعداد ۱۳ مورد از ۲۹ مورد مایع مورد پژوهش، دارای ساختمان واژگانی ترکیبی/ مرکب‌اند. از جمله مایعات آلبیمو و شیرکاکائو را می‌توان ذکر کرد.

۳-۲-۳- اشتقاقی: از مایعات با ساختمان واژگانی اشتقاقی/ مشتق شیره را می‌توان برشمرد.

۳-۲-۴- ترکیبی- اشتقاقی: مایعی با ساختمان واژگانی ترکیبی-اشتقاقی یا مشتق مرکب از میان دیگر مایعات تنها ۱ مورد بود و آن هم واژه نوشابه است.

۳-۳- روابط نشانه‌شناختی نام‌واژه‌های مایعات در زبان فارسی

در این بخش نشانه‌شناختی مایعات در قالب طبقه‌بندی سه‌گانه پیرس تحلیل می‌شود تا ببینیم مایعات مورد بررسی در قالب کدام نوع/ انواع قرار می‌گیرند. پیش‌تر گفته شد که نشانه‌های شمالی نشانه‌هایی‌اند که از طریق تقلید تصویری چیزها مفاهیمی از آنها را می‌نمایانند و در این نوع نشانه پیوند میان دال و مدلول مبتنی بر تشابه است. نشانه‌های نمایه‌ای را می‌توان مشاهده و یا استخراج کرد و درک رابطه‌ای منطقی و علی میان دال و مدلول نیازمند تجربه قبلی است. در نشانه‌های نمادی نیز دلالت دال به مدلول قراردادی است و این روابط قراردادی را باید آموخت. به عبارات زیر توجه کنید:

نمونه ۱: خدا را شکر آب باریکه‌ای هست.

در جمله مذکور (نمونه ۱) می‌توان این گونه تحلیل نمود که آب به طور طبیعی آبادانی می‌آورد و هر جا آب باشد نشانه‌ای از زندگی هم هست. در واقع آب چون زندگی است و به زندگی تشبیه شده و آب باریکه (یا جوی باریک آب) نیز زندگی معمول و معیشت اندک را می‌نمایاند. یعنی نشانه‌ای نمادین است که در آن آب باریکه دلالت بر معیشت اندک دارد. پس رابطه آب به زندگی مبتنی بر

مشابهت و در نتیجه شمایی و رابطه آب باریکه به معیشت معمول مبتنی بر قراردادهای اجتماعی و وضعی و در نتیجه نمادی است:

آب ← زندگی ⇨ شمایی
آب باریکه ← زندگی و معیشت معمول ⇨ نمادی

نمونه ۲: فکر کردی خون شما رنگین تره؟

در این جمله (نمونه ۲) خون به جان تشبیه شده و رابطه‌اش با موضوعش جان مبتنی بر مشابهت است پس از این نظر شمایی است. از طرفی رنگینی خون نشانه عزیزتر بودن جان است. این نشانه نمادین محسوب می‌شود که جنبه قراردادی و وضعی دارد و کاملاً فرهنگی و بافت‌بنیاد است. یعنی فارسی‌زبانان این مفهوم را از آن درک می‌کنند:

خون ← جان ⇨ شمایی
رنگین بودن خون ← عزیزتر بودن جان ⇨ نمادی

نمونه ۳: هنوز دهانش بوی شیر می‌دهد.

در این جمله (نمونه ۳) گرچه مانند مثال‌های قبلی در آن تشبیهی صورت نگرفته است و رابطه‌ای مبتنی بر مشابهت دیده نمی‌شود. اما می‌توان دیگر انواع نشانه را در آن پیدا کرد. گفته می‌شود رد پای گرگ در جنگل ناشی از عبور گرگ است و مبتنی بر مجاورت یعنی باید گرگی عبور کرده باشد. پس رد پیامد عبور گرگ است. در این مثال نیز «بوی شیر دادن دهان» پیامد خوردن شیر به تازگی یا در همین لحظات است و مبتنی بر مجاورت است و نشانه‌ای نمایه‌ای محسوب می‌شود. همچنین می‌توان آن را نشانه‌ای نمادین نیز تلقی کرد. زیرا این جمله دلالت به دوران شیرخوارگی، خامی و ناپختگی دارد و جنبه قراردادی پیدا کرده و نمادین است. این جمله با جمله «دهانش بوی سیر می‌دهد» کاملاً متفاوت است. اهل زبان از جمله اخیر معنای دیگر/دومی استنباط نمی‌کنند:

دهان ← بوی شیر ⇨ نمایه‌ای
بوی شیر دادن دهان ← خامی دوران کودکی ⇨ نمادی
مایعات دیگر نیز به همین ترتیب تحلیل شدند.

۳-۴ - معنای صریح و معنای ضمنی در مایعات زبان فارسی

معنی صریح یا ارجاعی بیانگر دلالت یک به یک است که یک سوی این رابطه دلالتی عنصر واژگانی و سوی دیگر آن پدیده‌ای در جهان واقعی است. معنی صریح خود بر آن دلالت می‌کند. در این بخش اشاره می‌شود که برخی از مایعات در زبان در معنی صریح‌شان کاربرد دارند و برخی دیگر از مایعات هم در معنی صریح و هم در معنی ضمنی‌شان به کار می‌روند. مثلاً مایع «آب پرتغال»

فقط یک معنای صریح دارد. اما مایعی مثل «آب» علاوه بر معنای صریح، معانی ضمنی نیز دارد. تحلیل‌های این بخش نشان داد که هر اندازه بسامد مایعی در زبان اعم از گفتاری یا نوشتاری بیشتر باشد، تعداد معانی ضمنی آن مایع نیز بیشتر می‌شود. روشن‌ترین نمونه واژه «آب» و پس از آن واژه «خون» است. به عبارات زیر توجه کنید:

نمونه ۴:

۱- انجام این کار برایش مثل آب خوردن است.

انجام این کار برایش راحت است.

نمونه ۵:

۲- چه تزئینی! به به! چه آب و رنگی!

چه تزئیناتی! چه درخشندگی و جلای!

نمونه ۶:

۳- سعید و نادر هم خون‌اند.

سعید و نادر فامیل‌اند.

در زیر برای هر یک از مایعات مورد بررسی با توجه به نوع واژه جدول جداگانه‌ای در نظر گرفته شده است که شامل مفهوم ضمنی واژه مورد نظر است. کاربرد مایع در قالب یک جمله نمونه آورده شده و درک معنای ضمنی و نشانه‌های آن نیز در ستون کناری ذکر شده است:

ردیف	مفهوم ضمنی	نمونه	درک معنای ضمنی و نشانه‌های
۱	سهولت	این کار برایش مثل آب خوردنه.	انجام کار برایش راحت و آسان است.
۲	فروختن	این عتیقه رو همیشه راحت آب کرد.	فروش این عتیقه آسان نیست.
۳	گریه کردن	بس کن! باز که داری آب غوره می‌گیری!	باز هم که داری گریه می‌کنی.
۴	طول و تفصیل	مریم ماجرا را با آب و تاب برایشان تعریف کرد.	مریم ماجرا را با جزئیات و با تفصیل تعریف کرد.
۵	سرزمین	اونا بچه‌های این آب و خاک‌اند.	آنها فرزندان این مملکت هستند.
۶	بزرگ شدن	بچه‌های فریده دیگه از آب و گل در اومدن.	بچه‌ها رشد کرده و بزرگ شده‌اند.
۷	سرشت و نهاد	می‌دونستم که تو آب و گل تو نیست که این اشتباه رو بکنی.	این جور اشتباه در ذات تو نیست.
۸	خشکی	اون طرفا که هنوز بی آب و علفه.	آنجا هنوز هم خشک و لم یزرع است.
۹	خطر کردن	علی خودشو به آب و آتیش زد تا کارخانه را پابرجا کند.	علی هر جور خطری را پذیرفت.
۱۰	سرعت	در یک آب خوردن جواب سوال رو داد.	در یک لحظه و خیلی سریع به سوال پاسخ داد.
۱۱	بی طعمی	این که مزه آب می‌ده!	این بی طعم و بی مزه است.

۱۲	سردی و بیمزگی	این چایی که مثل آب حوضه!	چایی سرد و بیمزه است.
۱۳	ناسازگاری	این دوتا که همیشه مثل آب و روغن اند.	این دو ناسازگار و نیامیختنی اند.
۱۴	تضاد / دشمنی	این دو تا مثل آب و آتیش اند.	این دو ضد همدیگرند.
۱۵	اتمام حجت کردن	با گفتن این حرف آب پاکی رو ریخت رو دستش.	خیالش را راحت کرد / اتمام حجت کرد.
۱۶	بی طعم و بی ارزش	بازهم که داری آب زیبو به خورد ما می‌دی!	این بسیار بی طعم و بد است.
۱۷	تغییر آب و هوا	مشکل خاصی نیست فقط آب به آب شده.	مشکل به خاطر تغییر آب و هواست.
۱۸	امنیت	اینجا خیلی دنجه آب از آب تکون نمی خوره.	اینجا امن و امان است.
۱۹	ترس	کجا رفته بودید؟ شما که دل ما رو آب کردید.	ما خیلی ترسیده بودیم.
۲۰	بیماری	باید عمل بشه آب مرواریده.	به خاطر بیماری باید جراحی شود.
۲۱	معیشت معمول	خدا را شکر هنوز آب باریکه‌ای هست.	درآمد اندکی وجود دارد.
۲۲	کوچک شدن	من که گفتم وقتی پیره نو بشوری آب می‌ره.	پیراهن کوچک شده است.
۲۳	تمنا و خواستن	چه آلبالوهای! دلم برای خوردنشون آب شد.	میل و رغبت زیادی برای خوردن آلبالوها دارم.
۲۴	دشمنی	احمد و علی که آب شون توی جوب نمی‌ره.	احمد و علی دشمن و ضد یکدیگرند.
۲۵	گم شدن	هرچی گشتم کلید رو پیدا نکردم انگار آب شده رفته توی زمین.	کلید گم شده و اثری از آن نیست.
۲۶	سوغات / ره آورد	بفرمایید! از آب گذشته است، قابلی ندارد.	این سوغاتی قابل شما را ندارد.
۲۷	خرابی	فکرامون نقش بر آب شد.	برنامه‌ها به هم ریخت.
۲۸	شادی	با شنیدن این خبر قند تو دلش آب میشه.	با این خبر بسیار شاد و مسرور می‌شود.
۲۹	میل زیاد به خوردن	با دیدن لواشک‌ها آب از دهنش راه افتاد.	برای خوردن لواشک میل شدید داشت.
۳۰	وضعیت / شرایط زندگی	یک هفته است که آب خوش از گلوم پایین نرفته.	آسایشی نبوده شرایط سخت و بدی داشتم.
۳۱	احتیاط بی اندازه	شما که دیگه آب رو هم آب می‌کشید.	شما بیش از حد محتاطید.

۳۲	تعجب	با شنیدن اون ماجرا <u>آب</u> تو دهنشون خشک شد.	با شنیدن ماجرا حیرت زده شدند.
۳۳	درخشندگی	چه تزئیناتی! به به! چه <u>آب</u> و رنگی!	این جلا و درخشش چقدر زیباست.
۳۴	کشتن / قتل	حسن خیلی بی احتیاطه بالاخره سرشو زیر <u>آب</u> می کنن .	بالاخره او را می‌کشند.
۳۵	استحمام	بعد از اینکه تنی به <u>آب</u> داد پیش مهمان‌ها رفت.	بعد از حمام کردن به جمع مهمان‌ها پیوست.
۳۶	بهبود اوضاع	وقتی <u>آب</u> ‌ها از آسیاب بیفته بر می‌گرده.	وقتی اوضاع بهتر شد و خطر برطرف شد بر می‌گردد.
۳۷	امر دور از ذهن	من که چشمم <u>آب</u> نمی‌خوره!	من به این امر امیدوار نیستم.
۳۸	خراب کردن	به برنامه شون <u>آب</u> بسته‌اند.	برنامه کیفیتی ندارد و به درد نخور شده است.
۳۹	بی خودی / بی کیفیتی	قول‌هاش <u>آب</u> کيه.	قول و قرارش به خودی و الکی است.
۴۰	انجام کار اشتباه	باز چه دسته گلی به <u>آب</u> دادی؟	دوباره چه اشتباهی انجام داده‌ای؟
۴۱	شدت و منتهای گرفتاری	دیگه براش مهم نیست. <u>آب</u> از سرش گذشته.	به حد اعلاى گرفتاری رسیده است.
۴۲	عرضه / کارآیی	اصلاً آمیدی بهش ندارم. <u>آبی</u> ازش گرم نمیشه.	نمی‌تواند برایم کاری بکند.
۴۳	خوش یمنی	چه بهتر! <u>آب</u> نطلبیده مراده!	نیک بختی و خوش یمنی دارد.
۴۴	برگشت ناپذیری	چکار می‌تونی بکنی؟ <u>آبیه</u> که ریخته شده.	اتفاقی است که افتاده و برگشتی ندارد.
۴۵	دورویی	مواظب کاراش باش چون خیلی <u>آب</u> زیرکاهه.	او آدم منافق و مکاری است.
۴۶	خسیسی	حسن <u>آب</u> از دستش نمی‌چکه.	حسن خسیس و طماع است.

جدول ۳- معانی ضمنی موجود برای واژه «آب» در زبان فارسی

ردیف	مفهوم ضمنی	نمونه	درک معنای ضمنی و نشانه‌ای
۱	شدت دشمنی	علی و رضا دشمن <u>خونی</u> ‌اند.	علی و رضا دو دشمن سرسخت‌اند.
۲	رنج و مشقت	با <u>خون</u> دل این کار را انجام دادم .	با رنج بسیار این کار را انجام دادم.
۳	اذیت و آزار	این بچه <u>خون</u> به جگرم کرده.	این بچه مرا بسیار اذیت کرده است.

۴	اصالت	احمد خون حمید تو رگهاشه.	احمد دارای اصالت است (فرزند خلف حمید است).
۵	حرص و جوش	کارد بزنی خون ام در نمیاد.	به شدت حرص می خورم. عصبانی هستم.
۶	قتل و کشتار	تا یک سال جنگ و خون ریزی ادامه داشت.	تا یک سال کشت و کشتار ادامه داشت.
۷	نسبت فامیلی	مریم و فاطمه نسبت خونی دارند.	مریم و فاطمه فامیل اند.
۸	فامیل	سعید و نادر هم خون اند.	سعید و نادر فامیل اند. از یک اصل و تبارند.
۹	دیه	اونا خون برادرشون رو از اون سرباز می خواستند.	آنها دیه برادرشون را می خواستند.
۱۰	ذات	خون اش کثیف است. این کار ازش بعید نبود.	آدم بد و خبیثی است.
۱۱	جان	فکر کردی خون شما رنگین تره؟	فکر کرده اید جان شما با ارزش تر از دیگران است؟
۱۲	عصبانیت	هیچی نگید که خون جلوی چشممو گرفته.	بسیار بسیار عصبانی ام.
۱۳	اموال	حسن آقا خیلی ناحقه خون مردم رو توشیشه کرده.	حسن آقا خیلی گران فروش است.
۱۴	اتهام به قتل	ولش کن اگه بمیره خون اش به گردن ما می افته.	ما متهم به قتلش می شویم.
۱۵	قصد کشتن	اونا به خون عموشون تشنه اند.	قصد کشتن او را دارند.
۱۶	قتل	بالاخره خون اش را می ریزد.	سرانجام او را به قتل می رساند.
۱۷	مهربان و صمیمی	علی خیلی خون گرمه.	علی مهربان و با محبت است.
۱۸	غیرت داشتن	تا خون در بدن دارم ادامه می دهم.	مصرانه این کار را انجام می دهم.
۱۹	عصبانیت	خونش به جوش آمده!	بسیار خشمگین و عصبانی است.
۲۰	مشکل کوچک	اگر خونی از بینش بیاد ما مقصریم.	اگه کمترین صدمه ای به او برسد ما مقصریم.
۲۱	جنگ سخت با پا کردن	حسن با این کارش خون به راه می اندازه.	حسن باعث جنگ و خون ریزی می شود.

جدول ۴- معانی ضمنی موجود برای واژه «خون» در زبان فارسی

ردیف	مفهوم ضمنی	نمونه	درک معنای ضمنی و نشانه‌ای
۱	بچگی / خامی	هنوز دهانش بوی شیر می‌دهد .	او هنوز خام و بی تجربه است. مثل بچه‌هاست.
۲	تولد پشت هم	وحید و حمید شیر به شیرند.	این دو پشت سرهم و با فاصله کم متولد شده‌اند.
۳	اتمام شیرخوارگی	مریم رو از شیر گرفتند.	مریم دیگر شیرخواره نیست.
۴	پاک / حلال	این پول مثل شیر مادره .	این پول کاملاً حلال و پاک است.
۵	خواهر	زهرا همشیره رضاست .	زهرا خواهر رضاست.
۶	همه چیز	تو این بازار از شیر مرغ تا جون آدمیزاد پیدا میشه.	در این بازار همه چیز یافت می‌شود.

جدول ۵- معانی ضمنی موجود برای واژه «شیر» در زبان فارسی

ردیف	مفهوم ضمنی	نمونه	درک معنای ضمنی و نشانه‌ای
۱	گول زدن	علی سر حمید رو شیره مالید.	علی حمید را گول زد/ به او کلک زد.
۲	هستی	شیره جانم را به پای بچه هام ریختم.	هستی و زندگی را صرف بچه‌هایم کردم.

جدول ۶- معانی ضمنی موجود برای واژه «شیره» در زبان فارسی

ردیف	مفهوم ضمنی	نمونه	درک معنای ضمنی و نشانه‌ای
۱	تمیزی و زلالی	مثل اشک چشم است.	(این مایع) زلال و پاک است.
۲	ناراحت کردن	ولش کن اشکشو در آوردی .	ناراحتش کردی .
۳	دل نازکی	باهاش نمیشه حرفی زد. اشکش در مشکشه.	او بسیار دل نازک است.
۴	حقه / کلک	این اشک تمساح‌ها رو باور نکن .	خام این کلک‌ها نشو.

جدول ۷- معانی ضمنی موجود برای واژه «اشک» در زبان فارسی

ردیف	مفهوم ضمنی	نمونه	درک معنای ضمنی و نشانه‌ای
۱	عصبانی	امروز صورتتو با سرکه شستی؟	امروز خیلی عصبانی هستی.

جدول ۸- معانی ضمنی موجود برای واژه «سرکه» در زبان فارسی

ردیف	مفهوم ضمنی	نمونه	درک معنای ضمنی و نشانه‌ای
۱	ناسازگاری	این دو نفر مثل آب و روغن اند.	این دو هرگز باهم سازش / توافق ندارند.
۲	اوضاع خوب	نوش تو روغنه	اوضاع مالی خوبی دارد.
۳	عقل	مغزش روغن نداره!	بی عقل است.
۴	طلب کار محال	یعنی از ریگ روغن می‌گیره؟	یعنی می‌تواند این کار محال را انجام دهد؟
۵	چرب زبانی	این قدر روغن زبانی نکن.	این قدر چرب زبان و متملق نباش.

جدول ۹- معانی ضمنی موجود برای واژه «روغن» در زبان فارسی

۴- نتیجه‌گیری

در این پژوهش به نشانه‌شناسی نظام واژگانی مایعات در زبان فارسی پرداخته شد تا نام‌واژه‌های مایعات از نظر معنای ضمنی و صریح‌شان بررسی و از منظر انواع نشانه ارزیابی شود. واقعیت آن است که بر اساس آنچه در نشانه‌شناسی گفته می‌شود، تمایزگذاری بین معنی صریح و معنی ضمنی کار دشواری است. بیشتر نشانه‌شناسان معتقدند که هیچ نشانه‌ای عاری از معنای ضمنی نیست. اما آنان چنین تمایزگذاری‌هایی را به لحاظ تحلیلی مفید دانسته‌اند. گفته می‌شود مرز شفاف و قطعی بین این دو مرتبه دلالت وجود ندارد. یعنی در عمل نمی‌توان خط قاطعی بین این دو گونه معنی کشید. زیرا باور بر این است که معنا به طور کلی وابسته به بافت است. با این وجود برای آنکه اندکی از انتزاع فاصله بگیریم و این مفاهیم به طور ملموس و در خلال مثال‌های عینی نشان داده شود، در مطالعات نشانه‌شناختی آنها را از همدیگر متمایز می‌کنیم. از این رو، در این پژوهش نیز سعی شد تا نشانه شناختی مایعات بررسی و این تمایز در صورت امکان به تصویر کشیده شود.

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که می‌توان مایعات زبان فارسی را در دو گروه کلی طبقه-

بندی کرد:

الف) مایعاتی که دارای مفهوم نشانه‌شناختی‌اند و علاوه بر معنای ارجاعی در قالب نشانه‌های شمایی، نمایه‌ای و یا نمادی قابل بررسی‌اند و همچنین دارای معنای ضمنی‌اند که آنها را «مایعات نشانه شناختی» می‌نامیم. آب، خون، شیر، شیره، اشک، سرکه و روغن جزو این دسته قرار می‌گیرند. ب) مایعاتی که به معنی صریح خود دلالت می‌کنند. یعنی تنها برای ارجاع به مایعی در جهان خارج به کار می‌روند و به همین دلیل بحث درباره نشانه بودن آنها در فضای خارج از نشانه‌های زبانی بی- مفهوم است. این گروه مایعات را «مایعات غیر نشانه‌شناختی» می‌نامیم. بنابر این مایعاتی از قبیل عرق، دوغ، بنزین، شیرموز، و... در این دسته جای می‌گیرند.

در پی این تقسیم‌بندی دیگر نتایج پژوهش را می‌توان چنین ذکر کرد:

- در مایعات مورد بررسی تعداد مایعات نشانه‌شناختی نسبت به تعداد مایعات غیر نشانه‌شناختی محدودتر بود.

- مطابق طبقه‌بندی اولیه مایعات به خوراکی و غیرخوراکی مشاهده شد که از هر دو دسته مایع خوراکی و غیر خوراکی مایعات نشانه‌شناختی وجود دارد. مثلاً آب از دسته اول و خون از دسته دوم به ترتیب جزو گروه خوراکی و غیرخوراکی‌اند. اما بیشتر مایعات نشانه‌شناختی در دسته خوراکی‌ها قرار دارند.

- در گروه اول یعنی مایعات نشانه‌شناختی برای آب ۴۶ مورد، خون ۲۱ مورد، روغن ۵ مورد، شیر ۶ مورد، اشک ۴ مورد، شیر ۲ مورد و سرکه ۱ مورد معنای ضمنی/ نشانه‌ای دیده شد.

- اگر از نظر ساختار واژگانی به این مایعات توجه کنیم، مشاهده می‌شود که اکثر مایعات نشانه‌شناختی مورد مطالعه، واژه‌های بسیط‌اند (مانند آب، خون، روغن، شیر، اشک، سرکه) و تنها یک مورد غیربسیط (واژه شیر) دیده شد که آن هم کم‌ترین تعداد معنای ضمنی را داشت. این در حالی است که تمام واژه‌های ترکیبی و ترکیبی- اشتقاقی در دسته دوم یعنی دسته مایعات غیرنشانه‌شناختی جای گرفتند.

- تعدادی از مایعات، فاقد معنای ضمنی بودند. یعنی ظاهراً دارای معنای ثانویه نیستند (ازجمله مایعاتی چون شیرکاکائو و ...).

- از بین مایعات مورد بررسی در این پژوهش معنای ضمنی مربوط به واژه آب بالاترین میزان و معنی ضمنی مربوط به واژه سرکه کم‌ترین میزان را به خود اختصاص داد.

- بسامد بالای یک مایع در زبان باعث افزایش معنی ضمنی به آن مایع بوده است. به عبارت دیگر، رابطه مستقیمی بین بسامد استفاده از نام‌واژه‌ها و افزایش معنای ضمنی آنها دیده می‌شود. به نظر می‌آید نام‌واژه‌هایی که روزانه استفاده می‌شوند (مانند واژه آب) معنای ضمنی متعددی دارند. یعنی هرچه کاربردشان بیشتر باشد، معنای ضمنی‌شان نیز بیشتر است.

- مایعات بسیط (آب و خون و ...) نسبت به مایعات غیربسیط دارای معنای ضمنی بیشتری‌اند. آن گونه که هرچه واژه دارای ساختار ساده‌تر (و حتی کوتاه‌تر) است، معنای ضمنی بیشتری برای آن به چشم می‌خورد. از این رو، میان ساختار واژگانی نام‌واژه‌ها از یک سو و معنای ضمنی آنها از سوی دیگر همبستگی خاصی مشاهده می‌شود.

- اطلاق نشانه‌های شمایی، نمایه‌ای و یا نمادین به هر نشانه متأثر از بافت است و نشانه در بافت کاربردی خود معنای دقیق می‌یابد. آنچه روشن است، این است که مایعات زبان فارسی را می‌توان در قالب نوعی بررسی نشانه‌شناختی در لایه‌های نشانه‌ای شمایی، نمایه‌ای و نمادی طبقه‌بندی کرد. اما باید توجه داشت که هر مایع صرفاً در یکی از این طبقات سه‌گانه امکان بررسی نمی‌یابد و در بیشتر مواقع آمیزه‌ای نشانه‌ای قابل طرح است.

- در نهایت، نتایج پژوهش مؤید این واقعیت است که می‌توان برای برخی از مایعات زبان فارسی علاوه بر معنای صریح‌شان، به معنا یا معناهای ضمنی دست یافت و این معانی را در قالب یک

مطالعه نشانه‌شناختی به تبیین درآورد. واژه‌های مایعات در زبان فارسی خود خرده نظامی را تشکیل می‌دهند که از نظرگاه مطالعات نشانه‌شناختی درخور بررسی و تعمق بیشتر است.

منابع

- سجودی، فرزانه (۱۳۸۷). *نشانه‌شناسی کاربردی*، (ویرایش دوم)، تهران: انتشارات نشر علم.
- صفوی، کورش (۱۳۷۹). *درآمدی بر معنی‌شناسی*، تهران: انتشارات هرمس.
- Barthes, R. ([1964] 1967). *Elements of Semiology*. (trans. Annette Lacers and Colin Smith). London: Jonathan Cape.
- Barthes, R. ([1973] 1974). *S/Z*. London: Jonathan Cape.
- Chandler, D. ([2002] 2007) *Semiotics, the Basics*. London, Routledge.
- Hawkes, T. (1977) *Structuralism and Semiotics* London: Routledge.
- Saussure, F. ([1916] 1983) *Course in General Linguistics* (trans. Roy Harris), London: Duckworth.

سازگار